معاون پژوهش حوزه‌های علمیه عنوان کرد

ارسال ۱۳۰هزار اثر به جشنواره علامه حلی تاکنون

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین مقیمی‌حاجی، ۱۷آذر در نشست خبری که در انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم برگزار شد، ضمن تبریک هفته پژوهش، اظهار کرد: در معاونت پژوهش جلسات هماهنگی با مراکز پژوهشی برگزار می‌کنیم و در سطح کلان، موضوعات پژوهشی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: امسال شعار هفته پژوهش «حوزه، پژوهش و پاسخگویی به نیازهای نظام و جامعه اسلامی» نام‌گذاری شد که ناظر به نیازهای روز جامعه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مقیمی‌حاجی به نام‌گذاری روزهای هفته پژوهش اشاره کرد و بیان داشت: برنامه‌های هفته پژوهش از ۲۰ تا ۲۵ آذرماه است که به‌ترتیب با عناوین؛ «پژوهش، پاسخگویی و پشتیبانی از تولید علوم اسلامی»، «پژوهش، پاسخگویی و کاربردی‌سازی علوم و هوش مصنوعی»، «پژوهش، پاسخگویی به نیازهای جامعه جهانی»، «پژوهش، پاسخگویی و نقش‌آفرینی در تبیین بیانیه گام دوم»، «پژوهش، پاسخگویی و نقش پژوهشگران» و «پژوهش، پاسخگویی و مدارس، مراکز و پژوهشگاه‌ها» نام‌گذاری شده است.

وی اقدامات معاونت پژوهش را مورد توجه قرار داد و گفت: معاونت پژوهش در عرصه‌های مختلف فعالیت دارد؛ به‌خصوص در دوران معاصر با ورود ساختارهای جدید در زمینه پژوهش نیز، اقدامات خوبی صورت گرفته است.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه بیان کرد: در بخش مدیریت ترویج، یکی از فعالیت‌هایی که صورت می‌گیرد، آموزش مهارت‌های پژوهش است که به‌صورت منظم پیگیری می‌شود.

وی ادامه داد: از همین‌رو درختواره پژوهش را در معاونت پژوهش تدوین کرده‌ایم و در تمامی مدارس علمیه کشور، کلاس‌ها و دوره‌های پژوهش برگزار شده و طلاب مهارت‌های پژوهش را فرا می‌گیرند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مقیمی‌حاجی تصریح کرد: علاوه بر این، کانون‌های پژوهش را در سراسر کشور داریم که برنامه‌های مختلفی را در طی سال برگزار می‌کنند؛ همچنین دوره‌هایی را نیز سالانه برای معاونان پژوهش استان‌ها برگزار می‌کنیم تا با جدیدترین روش‌های تحقیق و پژوهش آشنا شوند.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه افزود: در کنار این موارد برای تمام اساتید آموزش در کشور، دوره آشنایی با مهارت‌های پژوهشی را برگزار می‌کنیم که مورد استقبال نیز قرار گرفته است.

وی با بیان اینکه جشنواره علامه حلی، یکی دیگر از برنامه‌هایی معاونت پژوهش است که برای طلاب جوان در سه سطح برگزار می‌شود که خود عاملی برای تشویق طلاب جوان برای ورود به عرصه پژوهش است، ادامه داد: در ۱۳دوره‌ای که تاکنون برگزارشده است، ۱۳۰هزار مقاله، کتاب و پایان‌نامه به جشنواره ارسال شده است که نشان‌دهنده اهمیت این جشنواره است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مقیمی‌حاجی بیان کرد: همایش کتاب سال حوزه، یکی دیگر از برنامه‌های معاونت پژوهش است که تاکنون ۲۲ دوره آن برگزارشده است.

وی با بیان این‌که برگزاری منظم کتاب سال حوزه، آثار و برکات فراوانی را تاکنون به‌همراه داشته است، تأکید کرد: در کتاب سال حوزه، معیار، فقط ضوابط علمی است و تفاوتی بین اساتید و علمای تراز اول و طلاب جوان نیست.

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه، با بیان اینکه بیش از ۳۰ برنامه در این هفته برگزار خواهد شد، ابراز کرد: در این هفته نشست مدیر حوزه‌های علمیه، با مسئولان مراکز پژوهشی در استان برگزار می‌شود و علاوه بر این، نشست‌های مختلفی با پژوهشگران برگزار خواهد شد.

خاطراتی از مجاهدت‌های مجتهدی بصیر و محبوب امامین انقلاب

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مجید یزدی — **بخش اول**

نوزدهم آذرماه، سالروز رحلت آیت‌الله محمد یزدی رئیس فقید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است. به همین مناسبت، خبرگزاری حوزه، از فرزند آن مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین مجید یزدی دعوت کرد تا با حضور در رسانه رسمی حوزه‌های علمیه، از زوایای پنهان زندگی آیت‌الله یزدی بگوید. مشروح این گفت‌وگو، در ادامه تقدیم علاقه‌مندان می‌شود.

▫ به‌عنوان سؤال اول دوست داریم پدر (آیت‌الله محمد یزدی) را از نگاه فرزند بیشتر بشناسیم.

• بنده اگر بخواهم نسبت به شخصیت ایشان یک بازنگری داشته باشم، طبیعتاً باید یک نگاه به شخصیت بیرونی و کاری ایشان داشته باشم و یک نگاه به شخصیت داخلی ایشان و ببینیم به‌عنوان یک پدر در زندگی تعامل ایشان در خانه چطور بود.

اگر بخواهم یک نگاه بیرونی داشته باشم، ابوی رحمه‌الله می‌فرمودند: حضرت امام در درس اخلاق به ما یک آیه‌ای را می‌فرمودند که درست است که قرآن کتاب وعظ است و سرتاسر قرآن موعظه برای بشریت است؛ ولی خداوند می‌فرماید: ای انسان‌ها! من یک موعظه برای شما دارم. مفهوم این جمله «یک موعظه دارم» به این معناست که ارزش این موعظه به‌اندازه تمام کتاب آسمانی است و آن یک موعظه هم، این است که «إنما أعظکم بواحدة أن‌تقوموا لله مثنی و فرادی» ؛ یعنی تمام کارهایی که می‌خواهید انجام دهید، باید دو ویژگی داشته باشد؛ یکی اینکه قیام به فعل باشد؛ «أن‌تقوموا»، فعل و انجام کار نباشد؛ بلکه قیام به فعل باشد. مستحضر هستید که قیام به فعل خیلی متفاوت با انجام کار است. ما در سرتاسر قرآن یک جایی نداریم که خداوند فرموده باشد: «إقرؤا الصلاة»؛ ولی داریم «أقیموا الصلاة». قیام به نماز خیلی متفاوت با نماز خواندن است. مصلین خیلی کم هستند؛ ولی قارئین نماز خیلی زیاد هستند. دیگر اینکه «لله»؛ یعنی آن کاری که می‌خواهید قیام به آن داشته باشید، برای رضای خدا و خالصانه انجام دهید؛ برای عنوان، اسم، تشریفات، تجملات، دنیا و پول و مقام و... نباشد.

«مثنی و فرادی»؛ یعنی اینکه چه کارهای تیمی و جمعی و چه کارهای فردی، این‌طور باشند. در اینجا ظاهراً خداوند کارهای جمعی را هم مقدم دانسته؛ درحالی‌که روال منطقی این بود که ابتدا کارهای فردی و بعد کارهای جمعی را در نظر بگیرد؛ چون بالأخره نگاه دین این است که «واعتصموا بحبل‌الله جمیعًا» ؛ متدینین با یکدیگر یک کاری را انجام دهند.

ایشان چنین ویژگی داشتند؛ یعنی کاری که می‌خواستند انجام دهند، هم اقامه به فعل می‌کردند و کامل، متقن و مستحکم انجام می‌دادند، به‌نحوی که مو لای درز آن کار نرود و هم اینکه برای خدا انجام می‌دادند؛ هر کاری که بر عهده ایشان بود، اخلاص و خوب کار کردن ایشان بود؛ یعنی هر سمتی که بر عهده ایشان بود، هر رسالت و مسئولیتی که بر دوششان بود، خوب انجام می‌دادند و برای خدا هم انجام می‌دادند. هیچ‌گاه پست و مقام، پول، شهرت و چنین مسائلی در ذهنشان نبود.

در خصوص رفتارشان با خانواده و بستگان هم اگر بخواهم محضرتان عرض کنم، برعکس آن چیزی که شاید در بیرون، حاج‌آقا را یک آدم بسیار جدی می‌دیدند و گاهی هم مثلاً می‌گفتند که اگر در نماز جمعه صحبت می‌کردند، ایشان خیلی عصبانی می‌شوند و یا اگر صحبتی داشتند، خیلی با التهاب صحبت می‌کردند و بالأخره لحن خاصی داشتند؛ ولی در خانه خیلی عاطفی و مهربان بودند.

با فرزندانشان خیلی با صمیمیت و با مهربانی برخورد می‌کردند. با والده ما رحمها‌الله با نهایت کرامت و شخصیت ارتباط داشتند و همه ما برای والده جایگاه خاصی قائل بودیم. چون پدر برای ایشان جایگاه خاصی قائل بودند و خیلی احترام می‌گذاشتند و شأن مادر را حفظ می‌کردند و دائم به ما در مورد ایشان توصیه می‌کردند.

عرض کردم که برعکس آن نگاه بیرونی، در داخل منزل خیلی مهربان بودند. حاج‌آقا با بچه‌ها بازی می‌کردند. زمانی که ایشان رئیس قوه قضائیه بودند، تا ساعت ۴-۵ عصر در اداره بودند و بعد که به خانه می‌آمدند، طبیعتاً کارتابل‌ها را برای رئیس قوه می‌آوردند. یک روز من آمدم و دیدم که ایشان یک گوشه نشسته‌اند و با عارفه، دختر کوچک بنده، داشتند نامه‌هایشان را می‌نوشتند. گفتم: حاج‌آقا! چرا روی زمین و در این گوشه و در کنار بچه من نشستید؟ چرا پشت میزتان ننشستید؟ چون خیلی سخت است که آدم روی زمین بنشیند و نامه بنویسد. گفتند: من در خاله‌بازی ایشان شرکت کردم و دارم نقش پدر را ایفا می‌کنم و مزاحم بازی ما نشو.

برای من خیلی جالب بود که شخصی در آن شرایط سنی و با آن حجم کار، هم کارش را انجام می‌دهد و هم یک نشاط و شادمانی به نوه خودش تزریق می‌کند.

محمدصالح من، یک پسر خیلی پرانرژی بود. حاج‌آقا با او به‌صورت نشسته والیبال و یا فوتبال دستی بازی می‌کردند. من فیلم‌های حاج‌آقا را در خانه دارم. ایشان خیلی عاطفی و مهربان بودند و همه ما خیلی حاج‌آقا را دوست داشتیم؛ یعنی هیچ‌گاه امر و نهی‌ای به ما در خانه نداشتند. ما تصور می‌کردیم که دیدگاه و نظر حاج‌آقا در یک موضوع چیست و آن کار را انجام می‌دادیم. منتظر نبودیم که امری کنند و یا دستوری دهند. ایشان هیچ‌گاه ما را مکلف به کاری نمی‌کردند و یا دستوری نمی‌دادند. اگر از ایشان مشورت می‌گرفتیم، می‌گفتند که به نظر می‌رسد که این راه بهتر باشد.

▫ یعنی توصیه‌وار وارد می‌شدند؟

• بله، توصیه‌وار وارد می‌شدند و هیچ‌گاه دستوری چیزی را نمی‌گفتند و چون ایشان جایگاه خیلی بلندی نزد ما داشتند و همه ما در قلبمان ایشان را دوست داشتیم، آنچه که احساس می‌کردیم نظر ایشان است، همان را انجام می‌دادیم.

▫ بحث فعالیت‌ها و جنبه سیاسی مرحوم آیت‌الله یزدی خیلی بیشتر نمایان است و خیلی‌ها شناخت بهتری دارند؛ اما احساس می‌شود که جنبه علمی آن بزرگوار کمی مغفول واقع شده است. از آن جنبه علمی ایشان هم برای ما بفرمایید. حتی من دیدم که ایشان قرآن را به زبان فارسی ترجمه کردند و اجازه اجتهاد از امام راحل دارند و خیلی از مباحث دیگری که وجود دارد و شاید این مسائل برای خیلی‌ها روشن نباشد.

• چهره سیاسی و مسئولیت‌هایی که حاج‌آقا در شئون مختلف سیاسی- اجتماعی داشتند، باعث شد که آن بعد علمی حاج‌آقا خیلی نمود بیرونی نداشته باشد، درحالی‌که شاید کسی باور نکند، ایشان قریب به ۱۰۰ کتاب و مقاله چاپ‌شده دارند و تعداد زیادی نوشته‌های چاپ‌نشده که دستی است و باید در آینده روی آن‌ها کار شود.

ایشان خیلی پرکار بودند؛ یعنی علی‌رغم کارهای سیاسی- اجتماعی که داشتند، هر زمانی که در منزل بودند و هر زمانی که احیاناً روز تعطیلی بود، همیشه مشغول تحقیق، مطالعه و تألیف بودند. هیچ‌گاه از این کار علمی منفک نبودند.

ایشان وقتی که در زندان قرار می‌گیرند، هیچ‌چیزی الا یک قرآن نزد ایشان نبود. در زندان آیات قرآن را که مطالعه می‌کردند، کتاب «فقه‌القرآن» را پایه‌گذاری می‌کنند؛ یعنی آیات فقهی قرآن را استخراج می‌کردند و زمانی که والده به ملاقات ایشان در زندان می‌رفتند و برمی‌گشتند، به‌صورت محرمانه آن چند کاغذی را که نوشته بودند، به والده می‌دادند و ایشان به منزل می‌آوردند و بعدها این‌ها جمع شد و این کتاب تنظیم شد و در دو جلد چاپ شد و بعدها که از قوه قضائیه بیرون آمدند، یک دور این کتاب را برای طلاب تدریس کردند.

این کتاب «فقه‌القرآن» ایشان بعداً در چهار جلد چاپ شد و کتاب بسیار قویم و قیمی است. همین‌طور ایشان «شرح قضاء عروة‌الوثقی» را دارند. کتاب «عروة‌الوثقی» مرحوم سید، شرح‌های خیلی متعددی دارد؛ ولی «کتاب‌القضاء» که آخر «عروه» نوشته شده است، حاج‌آقا آن را به‌صورت مبسوط شرح کردند. با توجه به اینکه در مجلس رئیس کمیسیون قضایی مجلس بودند و بعد رئیس دادگاه‌ها و سپس رئیس قوه قضائیه شدند، تجربیات قضایی خیلی خوبی داشتند، این بحث «قضاء عروه» را شرح کردند و چاپ شده است. کتاب‌های متعددی از جمله همین ترجمه قرآن را که فرمودید دارند. زمانی حاج‌آقا فرمودند که من در روز دیدم که این زمان وقت اضافه دارم. آن وقت را به کار کردن روی ترجمه قرآن اختصاص دادم. این‌طور هم نبودند که مثلاً ۱۰ ترجمه در کنار خودش قرار دهد و این ۱۰ مورد را بخواند و یکی را انتخاب کند و بنویسد و در هر آیه‌ای پیش برود؛ بلکه کاملاً اجتهادی و بر اساس آن استنباطی که خودشان داشتند که طی سال‌ها کار قرآنی کرده بودند، ترجمه را انتخاب می‌کردند که بعد از آن، مرکزی که ترجمه‌های قرآن کریم را ارزشیابی می‌کند، این ترجمه را یکی از ترجمه‌های خوب تشخیص داد، فوری آن را وقف کردند که چاپ شود.

نکته‌ای را خدمتتان بگویم و آن اینکه یک روز آقای حمید محمدی که در ارشاد بودند، گفتند: من به منزل حاج‌آقا رفتم و گفتم که ما هر سال در ماه مبارک رمضان، یک شخصیت قرآنی کشور را معرفی کرده و از او تقدیر می‌کنیم. امسال مسئولان با بررسی‌هایی که کردند، حضرت‌عالی را به‌عنوان شخصیت قرآنی سال انتخاب کردند و در جلسه امسال ماه مبارک رمضان قرار است، شما را معرفی کنیم. ایشان می‌گفتند که وقتی من این نکته را به حاج آقا گفتم، ایشان شروع به گریه کردند و این حالت دقایقی ادامه داشت. من متعجب شدم که آیا مطلب بدی گفتم و حاج‌آقا را ناراحت کردم. ایشان که آرام شدند، به من گفتند: یعنی قرآن این‌قدر در این کشور غریب است که من باید شخصیت برجسته قرآنی تلقی شوم؟! بروید و به آقایان بگویید که روی قرآن کار کنند. بروید و به آقایان بگویید که در درس‌هایشان برای قرآن وقت بگذارند.

▫ از زندان حاج‌آقا و آن مشقت‌ها سخن به میان آمد. من خوانده بودم که فرزندان حاج‌آقا، بخشی از تحصیل خودشان را در تبعیدگاه‌ها گذراندند. از این مباحث هم برای ما بفرمایید.

• بله! اگر پرونده تحصیلی ما را نگاه کنید، ما مدتی در بوشهر زندگی کردیم. مدتی در اسلام‌آباد غرب زندگی کردیم. مدتی در رودبار زیتون زندگی کردیم و در آنجا درس خواندیم. چون حاج‌آقا بسیار شجاع و نترس بودند و اصلاً هیچ ترس و ملاحظه‌ای نمی‌کردند. آن زمانی که کسی می‌ترسید، مثلاً نام یک پاسبان را در یک شهر ببرد و یک پاسبان برای خودش ابهتی داشت، حاج‌آقا خیلی راحت در جلسات نام شاه مملکت را می‌بردند و به‌راحتی به او اعتراض می‌کردند و هیچ واهمه‌ای نداشتند و می‌دانستند که وقتی این سخنرانی تمام شود، دستگیر می‌شوند و یا این جلسه که تمام شود، با ایشان برخورد می‌کنند.

حاج‌آقا همیشه ممنوع‌المنبر بودند. یا در زندان و یا در تبعید بودند. در زندان که تکلیف مشخص است؛ ولی در تبعیدگاه‌ها، شخص وقتی که ممنوع‌المنبر است؛ چون حاج‌آقا را در شهرهای دورافتاده سخت و شرایط بسیار وحشتناکی قرار می‌دادند؛ مثلاً کنگان یک جایی بود که واقعاً زندگی در آن خیلی سخت بود که یک نفر بتواند در آنجا زنده بماند.

من یادم نمی‌رود که زمانی در بوشهر، شهید آشوری با نهایت شجاعت پدرم را به منزل خودشان دعوت کرد؛ چون کسی جرأت نمی‌کرد که به تبعیدی‌ها نزدیک شود. اگر کسی می‌رفت و احوال یک تبعیدی را می‌پرسید، ساواک با او برخورد می‌کرد که چرا به سراغ تبعیدی رفتی؟ ولی شهید آشوری با نهایت شجاعت به حاج‌آقا گفتند که باید به خانه ما بیایی و در آنجا زندگی کنی. ایشان گفتند: من تبعیدی هستم و ساواک با شما برخورد می‌کند. گفتند: هر کاری که می‌خواهد بکند. شهید ابوتراب آشوری یک عالم نترس و شجاع بود و پدرم را به خانه خودش دعوت کرد و ما در خانه ایشان بودیم و ایشان بیرونی خانه‌اش را اختصاص داد و کسانی هم که به ایشان مراجعه می‌کردند، می‌گفت: ایشان شاگرد حضرت امام هستند و به اینجا تبعید شده‌اند و سؤالاتتان را از ایشان بپرسید و به این شکل دائم انقلاب را ترویج می‌کردند.

من یادم نمی‌رود، ما بچه بودیم و گاهی که از مدرسه می‌آمدیم، اگر پیراهنمان را می‌فشردیم، یک لیوان آب از عرق درست می‌شد؛ چون هوا شرجی و گرم بود و ما هم از قم رفته بودیم و قم یک شهر کویری بود و ما عادت به این هوا نداشتیم. گاهی نیمه‌شب در حال مرگ و خفگی بودیم. در منزل شهید آشوری یک حوضی بود و یادم است که من و برادرم تا سینه داخل آب حوض می‌رفتیم که خفه نشویم و نمیریم. خلاصه شرایط بسیار سختی بود.

حالا عرضم این است که در جاهایی که تبعید بودند، ایشان ممنوع‌المنبر هم بودند؛ ولی ایشان إبایی نداشت و می‌رفت و سخنرانی می‌کرد و بعد ساواک ایشان را می‌گرفت و می‌گفت: مگر منبر شما ممنوع نبود؟ مگر اعلام نکرده بودیم که ممنوع‌المنبر هستید؟ ایشان می‌گفت: من منبر نرفتم. من روی صندلی نشستم و صحبت کردم. دفعه بعدی می‌گفتند که شما حق ندارید؛ حتی روی صندلی صحبت کنید. دوباره حاج‌آقا را دستگیر می‌کردند و می‌گفتند که شنیدیم شما در فلان مسجد صحبت کردید. حاج‌آقا می‌فرمودند: من روی زمین نشستم و صحبت کردم و روی صندلی ننشستم. گفته بودید که روی منبر و صندلی نروید و من روی زمین نشستم. من گوشه مسجد ایستادم و صحبت کردم. ایشان خیلی شجاع بودند و اصلاً واهمه‌ای از این نداشتند که اگر تبعیدی در جایی سخنرانی کند، ساواک با او برخورد می‌کند.

من یک یادداشتی را در یادداشت‌های حاج‌آقا دیدم، اجازه دهید که این را برای شما بخوانم؛ چون مربوط به‌همین موضوعی است که الآن فرمودید. در زندان یک برخوردی با ایشان می‌شود و بعد معلوم نیست که چه شکنجه‌ای در آن زندان می‌شوند و با یک شرایط سختی این یادداشت را نوشته‌اند. این یادداشت در صفحه ۴۴۵ کتاب خاطرات خود حاج‌آقا هست که می‌گویند: ساعت ۳ عصر روز ۱۳۵۷/۸/۱ از زندان آزاد شدم و وارد میدان شهر شاه‌آباد غرب(اسلام‌آباد غرب کنونی) شدم و سخنرانی کردم. بعد از سخنرانی رئیس ساواک که مرد خشنی بود و با ما تند برخورد می‌کرد، با مأموران می‌آیند و حاج‌آقا را دستگیر می‌کنند و به زندان می‌برند. حاج‌آقا می‌گوید: پس از اهانت‌ها و برخوردهای سنگین و تند، من را به اتاق دیگری بردند. این را تشریح نکردند که این برخورد سنگین و تندی که ساواک با ایشان می‌کند چطور بوده است. ایشان می‌فرمایند: سه‌ربع ساعت من را معطل کردند که ناگاه درد شدیدی در ناحیه سینه‌ام احساس کردم. یک سکته یا ایست قلبی یا...؛ در همان حال به نظرم رسید که چیزی شبیه به یک وصیت‌نامه بنویسم تا اگر حادثه‌ای برایم به وجود آمد، نوشته من در اختیار دیگران باشد. کاغذی در اختیار نداشتم؛ به‌ناچار روی یک قطعه دستمال کاغذی وصیت‌نامه‌ای نوشتم و آن را در جیبم نهادم. معلوم نیست چه شکنجه‌ای شده بودند که احساس کردند که شاید دیگر زنده نمانند. فقط می‌گویند که برخوردشان خیلی سنگین و تند بود. این نشان‌دهنده شجاعت یک نفر است که از زندان آزاد شده، به میدان شهر بیاید و علیه شاه سخنرانی کند و همان زمان دوباره دستگیر شود و به ساواک برود.

این بخش از وصیت‌نامه ایشان را هم من در دفتر وصیت‌نامه پیدا کردم که خودشان بعداً پاک‌نویس کردند. حاج‌آقا یک دفتری دارند که ۵۱ وصیت‌نامه داخل آن است و این، برای من خیلی جالب است.

▫ ۵۱ وصیت‌نامه مستقل؟

• بله! ۵۱ وصیت‌نامه مستقل دارند. می‌دانید که مرگ‌اندیشی یک توصیه دینی است که انسان به فکر آخرت باشد؛ البته «کن لدنیا کأنک تعیش فیها ابدا»؛ برای دنیا به‌نحوی برنامه‌ریزی می‌کردند که گویی ۱۰۰ سال دیگر بودند. کار و تلاش می‌کردند و برنامه‌ریزی‌های کلان و درازمدت داشتند؛ ولی برای آخرت، فکر مرگ، فکر مردن، فکر حساب و کتاب و فکر پاسخ دادن دارند.

کسی که ۵۱ وصیت‌نامه دارد و هر سال وصیت‌نامه خودش را به‌روز می‌کند، این مرگ‌اندیشی خیلی زیباست.

ادامه دارد...

معاون فرهنگی تبلیغی حوزه‌های علمیه خواهران

پاسخ به مسائل و شبهات نیازمند کار علمی قوی است

معاون فرهنگی تبلیغی حوزه‌های علمیه خواهران گفت: نیاز است نسبت به مسائل و شبهات، کار علمی قوی صورت پذیرد و اتاق‌های فکر داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگو باشیم.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین تقی محدر، ۱۵آذر در همایش «دیدار یار دیرین» (دانش‌آموختگان استان قم) که در سالن همایش‌های آیت‌الله شرعی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران برگزار شد، با اشاره به این سخن امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس؛ شبهات به کسی که زمانه خود را بشناسد، هجوم نمی‌آورد»، افزود: امروز برای موفقیت در ترویج دین الهی، باید عالم به زمان بود و دنبال راه‌حل دقیق برای پاسخگویی به مسائل گشت.

معاون فرهنگی تبلیغی حوزه‌های علمیه خواهران ادامه داد: عالم به زمان بودن یعنی اینکه بدانیم، دشمن چه برنامه‌ای را طراحی کرده و نسبت به آن راه حل داشته باشیم و به‌گونه‌ای نباشد که در زمین دیگری بازی کنیم؛ به‌عنوان مثال امروز دشمن به دنبال بی‌عفت کردن جامعه به‌ویژه زنان ماست؛ ولی ما روی پوشش و حجاب بحث می‌کنیم و این در حالی است که اگر عفت افراد حفظ شود، پوشش نیز تصحیح خواهد شد.

وی رسالت امروز طلاب و حوزه‌های علمیه را بسیار سنگین برشمرد و خاطرنشان کرد: یکی از رسالت‌ها، شناسایی راه‌حل مناسب برای پاسخگویی به مسائل و شبهات است و این امر، نیازمند به‌روز شدن افراد در مسائل علمی و فرهنگی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محدر، با اشاره به این سخن آیت‌الله مصباح یزدی رحمه‌الله که «ما در هیچ عصری به‌اندازه امروز با سؤالات و شبهات مواجه نبوده‌ایم»، گفت: نیاز است نسبت به مسائل و شبهات، کار علمی قوی صورت پذیرد و اتاق‌های فکر داشته باشیم تا بتوانیم پاسخگو باشیم.

وی در پایان، مجهز شدن به سلاح علم و تقوا را ضرورتی برای طلاب و دانش‌آموختگان عنوان کرد و بیان داشت: در کنار این موضوع، طلاب باید مردمی باشند تا بتوانند اثرگذاری ایجاد کنند.